

مدخل امام حسن عسکری علیه السلام از دایرة المعارف بزرگ اسلامی،  
در سنجه نقد «ساختاری»، «فرایندی» و «روندی»

پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۱،

بهار ۱۳۹۹

۱۱۳

احمد فلاح زاده<sup>۱</sup>

چکیده

مدخل امام حسن عسکری علیه السلام به قلم احمد پاکتچی، یکی از رویکردهای مطالعه زندگی ایشان است. نویسنده در قالب رویکرد «تاریخ‌نگاری تجربی»، تکاپوی جدیدی برای فهم زمانه این امام، شیوه زیست و رویدادهای آن عصر در گنجایش یک مدخل، ارائه نموده است. از آن‌جا که نقدنگاری بر مدخل‌های دانش‌نامه‌ای، کمتر در فرهنگ نقدنویسی جامعه علمی ایران گسترش یافته است، ناقد در پی آن است، با روش مطالعه کیفی و کمی و براساس سبک‌های «نقد ساختاری»، «نقد فرایندی» و «نقد روندی»، به معرفی نقاط قوت و ضعف این مدخل بپردازد. یافته‌ها حکایت از آن دارند، بر پایه «نقد ساختاری» از آن‌جا که نویسنده برآمده از سبک مورخان «مکتب تهران» است، زندگی امام را بر مبنای حذف گزاره‌های تاریخی - کلامی مربوط به «عصمت»، «کرامات» و «علم غیب» می‌نگرد. در بُعد «نقد فرایندی» وی با روش «تاریخی محض» به رویدادهای آن عصر پرداخته و امام را در قامت یک اسلام‌شناس موفق معرفی می‌کند. از نظر «نقد روندی»

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و دکترای تاریخ اسلام: Ahram12772@yahoo.com.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۰

نیز مدخل امام حسن عسکری علیه السلام در بیان چیدمان رخدادهای بین سال‌های ۲۵۴ - ۲۶۰ قمری، آگاهی دقیقی به دست نمی‌دهد.

### کلید واژگان:

احمد پاکتچی، نقد ذهنیت، نقد روش تحقیق، نقد ساختارگرایانه، رویکرد تاریخ‌نگاری تجربه‌مدار.

### درآمد

نقد «critic» در لغت، به معنی «گزینش بهترین» است؛ چیزی که به عنوان روشی در مطالعات تاریخ‌نگاری، به رغم اهمیت فراوانش، در دایره پژوهش‌های امروز ایران، جایگاه شایسته‌ای ندارد. در کنار این موضوع، تبیین مولفه‌های هشت‌گانه نقد علمی یعنی: ۱. نظام‌مندی؛ ۲. الگومداری؛ ۳. جامع‌نگری؛ ۴. نگاه انتقادی؛ ۵. ابتنای منطقی؛ ۶. تخصص‌مداری؛ ۷. خلاقیت؛ و ۸. اخلاق‌مداری، بخشی از این رویکرد نقد روش‌مند است (حسینی، ۹۷). این شاخص‌ها باید در یک چارچوب منظم با یک‌دیگر، یک‌کُل را تشکیل دهند؛ به گونه‌ای که هر ویژگی، از دل ویژگی دیگر با مجموعه آن‌ها خارج شود (همان، ۱۱۴) و فرایند نقد خردمندانه، راهگشای تحلیل انتقادی پژوهش‌ها گردد. مدخل حسن عسکری علیه السلام، با ۱۵۵۲۲ حرف، مقاله‌ای نسبتاً بلند در سایز مقالات علمی به شمار می‌رود؛ اما همین حجم برای معرفی گوناگون مختلف زندگی یک امام، البته بسیار اندک است. با توجه به این محدودیت، نقد پیش‌رو ضمن توجه به شرایط نگارش مقاله، در قالب‌های چندگانه‌ای به سنجش آن می‌پردازد. تلاش برای بررسی ذهنیت نویسنده، شناخت سبک تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری وی، جایگاه مقاله در انتقال مفاهیم امامیه، در کنار نقد ساختاری، فرایندی و روندی، در این نقد‌نگاری مورد توجه قرار می‌گیرد. دغدغه اصلی ناقد، رشد نقد‌نگاری در میان پژوهش‌گران و نه‌راسیدن از بررسی انتقادی مقالات استادان نامدار است. ناقد مقاله دیگری با عنوان نقد مدخل «امام حسن عسکری» دکتر

احمد پاکتچی، بر اساس شیوه‌های «نقد محتوایی»، «نقد تحلیلی» و «نقد برآیندی» نیز نوشته است و در سه قالب دیگر به بررسی انتقادی این مدخل پرداخته است.

### احمد پاکتچی؛ گذری بر زمانه و آثار

احمد پاکتچی (زاده ۱۳۴۲ تهران) دکترای رشته مطالعات ادیان، ضمن تحصیلات حوزوی، با آثاری چون «مکتب فقه امامی ایران پس از شیخ طوسی تا پیگیری مکتب حله»، «مولد امیرالمؤمنین علیه السلام نصوص مستخرجة من التراث الاسلامی» و مقاله‌های فراوان در دایرة المعارف بزرگ اسلامی و مجلات مختلف زبان‌شناسی و اسلام‌شناسی داخلی و خارجی، شناخته می‌شود. وی فراتر از کتاب‌ها و مقالاتی که به زبان فارسی نگاشته است، به زبان‌های انگلیسی، روسی، قرقیزی، و عربی نیز آثاری را در اختیار نهاده است. دغدغه‌های ایشان نسبت به وضعیت علوم انسانی و تحقیقات داخلی، یکی از آخرین محتوای نشست‌های علمی ایشان است. آن‌چه در ادامه می‌آید، نقدی برمدخل حسن عسکری علیه السلام<sup>۱</sup> نشر در جلد بیستم دائرة المعارف بزرگ اسلامی است که نگارش آن چهار سال، زمان برده است.<sup>۲</sup>

### چینش محتوا در مدخل «حسن عسکری» علیه السلام

دکتر پاکتچی در چارچوب نگارش مقاله، با سخن از ویژگی‌های شناسنامه‌ای امام، تاریخی کوتاه از زندگی آن حضرت در سامرا را به دست می‌نماید. آن‌گاه به مشخصات شخصی، ازدواج و درگذشت حضرت و سپس به معرفی برخی از آثار در حوزه امام حسن عسکری علیه السلام می‌پردازد. در ادامه به مسائل اجتماعی و سیاسی عصر امام پرداخته و مناسبات میان امام و امامیه را در آن دوره با چاشنی اندیشه «تقیه»، تصویر می‌نماید.

۱. حَسَن - عَسْكَرِي - (ع)، - امام - - - احمد - پاکتچی / <https://www.cgie.org.ir/fa/article/180560/>

۲. ایشان در یازدهمین جلسه کارگاه آموزشی «شیوه‌های دانشنامه‌نویسی»، در قم که از سوی دانشنامه اهل

بیت علیهم السلام به تاریخ ۱۲ مهر ۱۳۹۴ برگزار شد، این ادعا را مطرح کردند.

هم‌چنین، چالش امام با امامیه و دستگاه خلافت، نیز سهمی از مقاله را به خود اختصاص داده‌اند. آن‌گاه مسائل اجتماعی شیعه نیز به بحث گرفته شده‌اند. ایشان در بخش سرچشمه‌های معرفت دینی، به این مباحث اشاره دارد: ۱. هدف از آفرینش (علم و عبادت)؛ ۲. تقابل میان عقل و جهل؛ ۳. دنیاگریزی و شکر نعمت؛ ۴. کسب معرفت با توجه به آیات قرآن و احادیث نبوی؛ ۵. آمیختگی روایت‌های امام حسن عسکری علیه السلام با مضامین قرآنی؛ ۶. تفسیر برخی از آیات؛ ۷. گذری بر تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ۸. احادیث امام حسن عسکری علیه السلام در کتب اهل سنت؛ ۸. فقه الحدیث امام حسن عسکری علیه السلام. افزون بر آن، در بخش کلام و عقاید، تکاپوی وی برای موضوع‌شناسی اعتقادی جامعه امامیه به این موارد ختم شده است: ۱. نفی جسمانیت خداوند؛ ۲. نفی دیدن خدای متعال؛ ۳. امام حسن عسکری علیه السلام و ماجرای خلق قرآن؛ ۴. مسأله جبر و اختیار؛ ۵. دفاع از ساحت قرآن. افزون بر آن، در بخش دانش فقه نیز ایشان، این فهرست را پیش می‌کشد: ۱. مسأله آغاز ماه رمضان؛ ۲. مسأله خمس؛ ۳. مسأله وصیت و ارث؛ ۴. رویکرد علل الشریعی به فقه.

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۱،  
بهار ۱۳۹۹

۱۱۶

### گونه‌شناسی نقدهای ساختاری

بر اساس یک دیدگاه، «نقد ساختاری» به واکاوی بنیان فکری نویسنده و خط مشی ذهنی نویسنده می‌پردازد، نه لزوماً آن‌چه وی نگاشته است (ششتمدی، ۱۲۹). گونه دیگری از نقدهای ساختاری، نقد ساختارگرایی (structuralism) است که بر اساس آن، رابطه میان ابژه و دال و نیز رابطه میان دال‌ها با یک‌دیگر در یک بستر اجتماعی، به هویت خواهد انجامید. در این روش، نخست، عصاره‌ی رویداد، استخراج شده و خود روایت به صورت مستقل بررسی می‌شود (همان، ۱۴۷). آن‌گاه طرح روایی تحلیل شده و سپس، ساختار مقاله بررسی می‌شود (همان، ۱۴۸). در واقع ساختارگرایی، شیوه‌ای برای بررسی هر جزء در ارتباط با یک کل است (گلی، ۱۰۹). این در حالی است که در نقد «ساخت‌گرایی»، نظام معنای موجود در متن و داد و ستد آن با جامعه، مورد توجه قرار

می‌گیرد (همان، ۱۱۳). از این رو برای منتقد «ساخت‌گرا»، صورت و ساختار صوری که محتوا را به وجود آورده است، مهم است (همان، ۱۱۶). در این جا، نکته شایسته اهمیت، عناصر روایت‌اند که خارج از حوزه زبان و ادبیات بوده و شامل این مواردند: ۱. «موضوع» یعنی مفهومی که بحث درباره آن نوشته شده است؛ ۲. «درون‌مایه» که جهت‌گیری نویسنده را نشان می‌دهد؛ ۳. «زمینه» که شامل موقعیت کلی زمانی و مکانی رخدادهاست؛ ۴. «ضرب‌آهنگ» که میزان تندی و کندگی کلام نویسنده است؛ ۵. شناخت فضای ذهنی حاکم بر روح مقاله؛ ۶. فهم شخصیت‌پردازی از سوی نویسنده؛ ۷. شناخت دیدگاه تاریخی نویسنده؛ ۸. بررسی مجموعه شیوه‌هایی که در بیان تاریخ به کار رفته است (ششتمدی، همان، ۱۴۰). گفتنی است، نوع دیگری از نقد، «نقد پس‌اساختارگرایی» است که در آن منتقد، در مواجهه با متن، می‌بایست بتواند از شمار متنوعی از دیدگاه‌ها بهره‌برد، تا یک تفسیر چند وجهی از متن ارائه دهد (همان).

#### نقد ساختاری؛ واکاوی ذهنیت تاریخی نویسنده

احمد پاکتچی، پژوهش‌گری سرشناس در مطالعات تاریخ و به‌ویژه قرآن است. نگاهی به پیشینه علمی ایشان، وی را با پیشینه مذهبی و در طبقه کنش‌گران اجتماعی در عرصه پژوهش‌های تاریخی - قرآنی قرار می‌دهد. دست‌چین نگاشته‌های او، هم‌زمان حاوی تحقیق در زمینه‌های مختلف فقهی، حدیثی، زبان‌شناسی، تاریخ اسلام و تاریخ تفسیر و حدیث است. گستره مقالات نگاشته شده ایشان در *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، حکایت از تمرکز وی بر مقالات دانش‌نامه‌ای دارد. با این حال کوشیاری او برای نگاشتن مقالات پژوهشی مرتبط با موضوعات مقالات دانش‌نامه‌ای، که بتواند در تفهیم این دست از مقالات خواننده را یاری کند، وی را ناگزیر به نگارش آثاری در مجلات معتبر علمی نیز نموده است. بالیدنش در تهران به مثابه دروازه ورود اندیشه‌های جدید به ایران، او را با دانش تاریخ به سبک غربیان آشنا کرد که خصوصیت این تاریخ‌نگاری یعنی تجربه‌پذیری (خضر، ۲۵۷) ماوراگریزی، خروج از چارچوب‌های سنتی کلام‌محوری و تاریخ‌مندی

رویدادها، از ویژگی‌های بارز آن است. علاوه بر آن عجیب نیست که بگوییم، محدوده جغرافیای روسی دوره تحصیلات عالی وی، و پیشینه تحصیلات حوزوی غیرمستقیمش، او را تحت تاثیر سه نوع از سبک‌های تاریخ‌نگاری اسلامی، غربی و کمونیستی قرار داده است. با این حال، بر اثر فضای حاکم بر ذهن مورخان تهرانی، به نظر می‌رسد او نیز تجربه‌گرایی را بخشی از انگیزه نگارش تاریخ می‌داند. به رغم حضور او در قزاقستان، آن هم در زمانه سقوط شوروی، رگه‌های تاثیر سبک مطالعات مورخان کمونیستی، مانند تولید مفاهیم جدید (احمدوند، ۲۲)، تقدم نیروهای اقتصادی، عینیت روش علمی، ایده پیشرفت (ایگرس، ۱۰۰)، در تاریخ‌نگاری پاکتچی، (دست کم در تجربه مطالعه چندین مقاله و نشست علمی از وی)، به راحتی دست‌یافتنی نیست. گرچه سهم ماندگار «میخائیل باختین»<sup>۱</sup>، مورخ کمونیست، در نشانه‌شناسی دهه ۱۹۳۰ به عنوان یک تجربه مطالعاتی (همان، ۹۴)، به صورت کاملاً منطقی امکان ورود به عرصه مطالعات نشانه‌شناسی از سوی پاکتچی، به مثابه مدیر گروه نشانه‌شناسی هنر، را دارد. اما ورود او به دانشگاه امام صادق علیه السلام پس از بازگشت به ایران، صورتی از انگیزه‌های دینی را در مطالعات او در اختیار می‌نهد. با این‌که هنوز هم مایه‌های شوق‌مندی به تبار آذری، در سخنان وی دیده می‌شود، اما سوگیری قوم‌گرایانه، در نوشته‌های تاریخی او هرگز به چشم نمی‌آید. در کنار این موارد، ادعای مورخان غربی در دوری از هرگونه زمینه‌های کلامی در مطالعات تاریخی، وی را نیز بر آن داشت، مانند منش مورخان در تلاش برای اعلام بی‌طرفی در تاریخ، خود را هم‌چنان بی‌طرف نشان دهد. چه آن‌که، این دست از مورخان، بدون نظر داشت، تفاوت بنیادین موضوع‌های علوم طبیعی با موضوعات علوم انسانی، عینیت در تاریخ را با «عینیت در علوم طبیعی» مقایسه می‌کنند (رضوی، ۲۰۵). در منش مورخان «مکتب تهران»، الگوبرداری از روش تحقیق تاریخ نزد غربیان، حاوی نگاه تجربی (نک: chen, 199) و ماوراگریز، بر ساحت‌های مورخان اعتقادی می‌چربد؛ درست بر خلاف نگاه نیمه‌کلامی مورخان معاصر در «مکتب قم». در واقع آمیختگی تاریخ با

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۱،

بهار ۱۳۹۹

۱۱۸

کرامات و معجزات، یکی از شکوه‌های مورخان غربی از تاریخ اسلام است (رابینسون، ۲۶۷). پاکتچی در عین ادعای تحصیلات عالی حوزوی، نوعی نگاه‌مندی به روایت‌های سنتی در حوزه فقه را نیز دارد. به گونه‌ای که گذر از فقه سنتی، براساس نوفهمی از روایت‌ها و هم‌سان‌دانی برخی از روایت‌های سبک زندگی، با سبک زیست قدیم، مسیری برای شناخت ذهنیت تاریخی ایشان را فراهم کند. برای این دست از مورخان، امام به عنوان یک پیشوای معصوم در ساختار فکرامامیه، قابل‌الگو برداری نیست. افزون بر آن، عناصر سبکی در روش نگارش، وی را در شمار مورخان تحول‌خواه و تاریخ‌مند قرار می‌دهد که با ظرافت قلم، خود را به این هدف نزدیک می‌کنند.

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۱،

بهار ۱۳۹۹

۱۱۹

### نقد روش تاریخ‌نگاری

از آن‌جا که اصل در مقالات دانش‌نامه‌ای، اقناع مخاطب، بیان شیوه‌مند مطالب و توجه به ساختار علمی، در عین حجم کم است، زبده‌ترین نویسندگان این دست از مقالات، برای تفهیم مخاطبان، نیازمند نگارش مقالاتی توضیحی - تفسیری در گستره تفهیم همان موضوع مقاله‌اند؛ چیزی که البته درباره مدخل حسن عسکری علیه السلام از سوی دکتر پاکتچی رخ نداده است؛ مقالاتی که به فهم مناسبات سیاسی، فقهی، حدیثی و شناخت فضای بحث رهنمون شوند. البته بستر مطالعاتی گسترده و فیش‌برداری‌های فراوان استاد پاکتچی، وی را در گزینش متن‌های متناسب با ذهنیت تاریخی‌اش به خوبی یاری می‌کنند و شرایط افزودن فیش‌های گسترده تحقیق به متن، را برایش فراهم می‌آورند. این ویژگی در مدخل حسن عسکری علیه السلام نیز در مواردی مانند اشاره وی به جریان‌های اخلاق‌گرا در سده سوم دیده می‌شود. او در این مقاله، از روش تاریخی متداول براساس بیان رویدادهای همه‌پسند، تاریخ‌مندی، دوری از نقل کرامت و مطالب مرتبط با ماوراءالطبیعه‌ها، بهره می‌گیرد. در این دیدگاه، مورخ، حتی در نگارش محتوایی درباره یک امام، به ذائقه خواننده غیر شیعه توجه می‌نماید و هرآن‌چه را مایه تردید آن دست مخاطبان نسبت به متن می‌شود، را از دستور نگارش دور می‌کند. در این نظرگاه، نویسنده

به این نکته توجه دارد که درج گزارش‌های مربوط به کرامت‌های امام از نظر خواننده غیر امامی، نسبتی است که امامیه به پیشوای خود می‌دهند. هم‌سوبا این چشم‌انداز، ایشان با تاریخی کردن رویدادها، در پی آن است تا مخاطب، آن حضرت را به عنوان یک الگوی قابل دسترس بپذیرد؛ چرا که از نظر این طیف مورخان، پرداختن به مقوله‌های علم غیب، کرامت و عصمت، امام را اسوه‌ای فراتر از دسترس می‌نماید. در کنار این موضوع، وی تلاش دارد به اصل «بی‌طرفی» (خضر، ۴۵) و رویکرد «نقدگرایی» به عنوان الگویی از مورخان معاصر (الویری، ۱۵۲) پای بند باشد.

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۱،

بهار ۱۳۹۹

۱۲۰

### نقد روش تحقیق

روش تحقیق، اعم از چگونگی مراجعه به متون و منابع، شیوه تفکر و خوانش متون و طرز برداشت داده‌ها، در نگارش مقالات، سهم والایی دارد. درباره مدخل حسن عسکری علیه السلام، گرچه نویسنده به خوبی منابع امامی مربوط به این موضوع را می‌شناسد، اما دسته‌بندی منابع از حیث ارزش آن‌ها در تاریخ‌نگاری امامیه را در نظر نمی‌گیرد و حتی نقدهای این نوع از منابع را نیز از نظر نمی‌گذراند. برای نمونه از مآخذی نقل می‌کند که با منابع هم‌تراز نیستند. مثلاً وقتی از طبری (د ۳۱۰ ق) یا کلینی (د ۳۲۹ ق) نقل می‌کند، نقل از مآخذی که از کلینی یا طبری نقل کرده‌اند، بایسته نیست؛ مگر آن دسته از نویسندگانی که خود نماینده یک سبک علمی‌اند. در این باره، برای نمونه وی آورده است:

خلیفه مهتدی نیز خود در ۲۹ رجب در پی یک شورش گسترده، از خلافت خلع شد و اندکی بعد مرگ او فرا رسید (ابن اثیر، ۷ / ۲۲۸).

این در حالی است همه این موارد، پیش‌تر در کتاب تاریخ طبری (د ۳۱۰ ق) و ابن عمرانی (د ۵۸۰ ق) آمده است و نیازی به نقل از ابن اثیر نیست (طبری، ۹ / ۴۶۹ و ۴۵۹ - ۴۵۸ و ۴۶۲؛ ابن عمرانی، ۱۳۴). هم‌چنین او حدیث مشهور امام حسن عسکری علیه السلام به این که علامت مومن پنج چیز است را از فتال نیشابوری (د ۵۰۸ ق) نقل می‌کند، در



حالی که شیخ مفید (۳۳۶-۴۱۳ق) پیش‌ترین حدیث را به دست داده است (مفید، المزار، ۵۳).

ذکر این نکته بایسته است که به دلیل کمبود نوشته‌های تخصصی درباره دوره امام حسن عسکری علیه السلام، نویسنده تصویر کاملی از عباسیان در این دوره یعنی ۲۵۴-۲۶۰ هجری، در اختیار ندارد و تنها به متون متقدم مانند کتاب تاریخ طبری و برخی از متون متقدم مراجعه نموده است. البته کتاب‌های تاریخ عباسیان نیز معمولاً از این دوره با کم سخنی، عبور کرده‌اند، به گونه‌ای که مثلاً درباره عصر معتز<sup>۱</sup> و معتمد، مطالعات شایسته‌ای در دسترس نیست؛ تنها درباره عصر مهدی چند مقاله آن هم با رویکرد شناخت خلیفه نوشته شده است (نک: فلاح زاده، ۷۶-۷۷).

هم‌چنین، نویسنده گرامی، در مواردی سندی را برای ادعایش نقل نمی‌نماید. برای نمونه می‌گوید: «معتمد از آغاز خلافتش با قیام‌های شیعی روبه‌رو بود؛» اما این جمله را مستند نموده است، در حالی که در منابع مختلف این موضوع آمده است (طبری، ۴۷۶/۹-۴۷۴۷؛ اصفهانی، [بی‌تا]، ۵۲۸؛ ابن خلدون، ۴/۴۱۹).

هم‌چنین ادبیات تحقیق نیز شایسته فارسی‌سازی واژگان است؛ زیرا از واژگان عربی که معادل فارسی آن‌ها به راحتی در اختیار است، در مقاله بیش از حد نیاز استفاده شده است. واژگانی مانند «اضطراب»، «مقارن»، «ترجیح»، «سُکنی»، «تحت الحفظ»، «مقتضی»، «مدعی ترکه»، «انقطاع» و ...

### نقد روندی؛ بررسی روند بیان رویدادها

منظور از «نقد روندی» نقد ترتیب بیان رویدادها و به عبارتی نوع چینش رخدادهاست.

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۱،

بهار ۱۳۹۹

۱۲۱

۱. نویسنده این نقد، مقاله‌ای در فصلنامه علمی-پژوهشی *تاریخ اسلام* با عنوان «امامیه در میانه رفتارهای سیاسی-مذهبی خلافت معتز عباسی»، آماده نشر دارد که در بخش پیشینه بحث به تحقیقات اندک، درباره معتز پرداخته است.

زیرا ترتیب بیان رویدادها، می‌تواند خواننده را در مسیر درک محتوا یاری دهد. این درنگ داده‌پردازی ضمن توانمندی اقناع مخاطب، به گستره بررسی‌های نویسنده نیز، سرپسته اشاره دارد. مطالعه روندی، بررسی یک موضوع براساس نگاه درونی (زیرمجموعه‌ای) و بر مبنای مسیر مطالعه و استدلال است (فلاح زاده، ۷۴). امروزه شماری از نقدهای جدید، به دوره‌بندی زمانی به عنوان شیوه‌ای از نقد می‌نگرند (نک، الویری، ۳۶). اما در مدخل «حسن عسکری علیه السلام» روند بیان رخدادها، با چالش‌هایی مواجه است و مخاطب تصویر کاملی از امامیه در دوره سه خلیفه این دوره، معتز (د ۲۵۵ ق)، مهتدی (د ۲۵۶ ق) و معتمد (۲۷۹ ق)، در اختیار ندارد؛ چرا که مقاله با چاشنی پذیرش دو اصل «خشونت علیه امامیه» و «تقیه» در دوره هر سه خلیفه، رویدادها را بررسی می‌کند و دسته‌بندی تناسب گزارش‌ها براساس سال شماری، به‌ویژه در بخش «چالش امام با دستگاه خلافت» در آن دیده نمی‌شود.

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۱،  
بهار ۱۳۹۹

۱۲۲

درباره ترتیب رویدادهای عصر مهتدی، ایشان مطالب بسیاری، که برای شناخت آن دوره بایسته بود، را نیاورده است. برای نمونه بررسی روندی رویدادهای عصر امام حسن عسکری علیه السلام نشان می‌دهد، گسترش حرکت زنگیان که در رمضان سال ۲۵۵، یعنی دومین ماه حکومت مهتدی (مسعودی، ۱۰۸/۴) اتفاق افتاد، مایه بیم‌ناکی خلیفه از ضعف خلافت و قدرت‌یابی امام حسن عسکری علیه السلام و دلیلی بر تصمیم خلیفه بر قتل آن حضرت بود (ادیب، ۲۳۹)؛ چرا که تعداد زیادی از طالبیان و علویان به خیزش زنگیه گرویده بودند (قمی، ۲۲۹). مایه دیگری از دشمنی مهتدی، متاثر شدن او از افکار اهل حدیث بود، که با نامیدن امامیه به «رافضی»، به دشمنی با آن‌ها پرداختند (دینوری، ۴۱). اطلاق واژه «امام رافضیان» به امام حسن عسکری علیه السلام در میان درباریان (کلینی، ۶۱۷/۲؛ مفید، الارشاد، ۳۲۲/۲) و تلاش برای هم‌سان‌نمایی امامیه و غالیان از سوی نویسندگان مخالف امامیه (جاحظ، البیان والتبیین، ۵۲/۳؛ همو، ۵۳۱؛ همو، ۳۴۰) با نشر ادعاهای کفرآمیز به ایشان (همو، الرسائل الأدبیه، ۴۵۱) بخشی دیگر از فضای تبلیغاتی علیه امام، در این دوره است (ابن شعبه، ۴۸۷).

## نقد فرایندی

مراد از نقد فرایندی، نگاه از بالا به متن و هدف سنجی آن در ضمن خوانش داده‌ها با نگاه بیرونی است. در این روش، به نتایجی که از مطالعه انتظار می‌رفت بدان دست یابد اما دست نیافته، پرداخته می‌شود. از این رو، ابتدا یک سری کلیات، گزینش می‌شود تا بر اساس بررسی عملیات شبکه‌ای میان این کلیات و با فرانگری، ضمن بایستگی درک یک سری از قواعد کلی و اثرگذار در بحث، به سنجش متن می‌پردازند (فلاح زاده، ۷۵-۷۴). چنان‌که در این مقاله، خواننده با سنت گفتگوهای امامیه در متون متقدم امامی، درباره امام مواجه نمی‌شود؛ بلکه امام را هم‌چون عالمی بزرگ و تاثیرگذار و شخصیت موثر در آن عصر می‌بیند، چرا که بخش گسترده‌ای از گزاره‌های اختصاصی امام، نادیده انگاشته شده‌اند. گفتنی است، بستر نقد فرایندی، متشکل از دو بستر برای نقد، یعنی نقدهای «مفهومی» و «رویکردی» است.

## نقد مفهومی

نقد مفهومی، همان بررسی عیار هم‌سانی و تناسب میان مفاهیم ذهنی نویسنده به هنگام نگارش و سنجش آن با برداشت خواننده از متن است. در یک بررسی پیرامونی، معیارهای ذهنی نویسنده و مخاطب، کاویده و میزان موفقیت نویسنده در این حالت بررسی می‌شود. در مدخل حسن عسکری علیه السلام، نویسنده در عین حال که تلاش دارد، به معرفی امام بپردازد، اما کاملاً دقت دارد که از معیارهای نگارش مقالات تاریخی بیرون نرود. ملاحظه‌ای که چیرگی‌اش بر سایر ذهنیت‌های نویسنده نیز به چشم می‌آید؛ از این رو داستان‌وار به بیان رویدادها پرداخته و تحلیل آن‌ها را نیز در مواردی، ضمیمه نموده و خواننده را با همان روش تاریخ‌مندی، به پیش می‌برد. استفاده از واژگان غیر یقینی مانند «شاید»، «احتمالاً»، «ظاهراً»، «گویا» و «به نظر می‌رسد»، حکایت از تلاش نویسنده برای

القای فهم خود به مخاطب دارد، بدون این که مستندات تاریخی برای آن ارائه نماید.<sup>۱</sup> به این سبب، در مواردی نویسنده به گمانه زنی بسنده می کند و خواننده را میان آن احتمالات، رها می کند. خواننده پس از این مطالعه، حضور نه چندان پررنگ امام حسن عسکری علیه السلام در صحنه رویدادها و در حصار بودن ایشان را ملاحظه می کند؛ در حالی که منابع تاریخی نشان می دهند دستگاه خلافت در برخورد با امام ملاحظاتی داشت؛ چون امام از بنی هاشم بود و حفظ قداست بنی هاشم برای عباسیان، که خود از همین طایفه بودند، اجازه هر نوع برخوردی با امام را به دربار نمی داد (طبری، ۳۹۰/۹). در پایان، خواننده آشکارا با دغدغه های تاریخی نویسنده و بیم او از هم سانی نسخه فارسی و انگلیسی مدخل حسن عسکری علیه السلام پیوند می خورد، چه آن که، این مقاله قرار است هم جامعه امامیه را راضی نگه دارد و هم اهالی دانش تاریخ را، که این پیشوا را تنها در قالب روش تاریخی می پذیرند و هم غیر مسلمانانی که از بنیان، امام را یک شخصیت تاریخی می دانند، نه مقدس!

## پژوهش نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۱،

بهار ۱۳۹۹

۱۲۴

### نقد رویکردی (رهیافتی)

بررسی رویکرد نویسنده در نحوه پردازش مقاله و میزان موفقیت او در معرفی شخصیت امام، در نقد رویکردی مورد توجه قرار می گیرد. بر این اساس، خواننده پس از مطالعه مقاله، بیش از آن که با یک امام در ساختار فکری امامیه آشنا شود، تقریباً خود را در لابلای متنی دربردارنده معرفی شخصی از بزرگان اسلامی می بیند؛ آن هم با پردازشی کاملاً تاریخی و دور از سازوکار اندیشه های کلامی امامیه. چه آن که تمامی گزارش های کرامت آمیز امام در متون مختلف، از چشم مخاطب در این مقاله به دورند. «ذهن خوانی»، یا «ضمیرخوانی» های امام (مسعودی، ۲۴۷؛ ابن شعبه، همان، ۴۸۳) «انتقال حس تقدس» (برقی، ۲۴۸/۱) و «هیبت امامت» (کلینی، همان، ۶۴۰/۲؛ مفید، الارشاد، ۳۳۴/۲؛

۱ وی شش بار از واژه «به نظر می رسد»، پنج مرتبه از واژه «ظاهراً»، یک بار از واژه «گویا»، سه بار از واژه «شاید» و گاهی از سخنواره «جای تعجب نیست» یا «جای شگفتی نیست» استفاده می کند.

اربلی، ۴۱۴/۲) که از امام به مردم منتقل می‌شد (کلینی، ج ۲: ۶۱۴) و شنیدن توانایی‌های خاص امام مانند «پیشگویی‌های فراوان امام از رویدادها» (کلینی، همان: ۴۸۲/۱ و ۴۳۶/۲؛ مفید، همان، ۳۳۳/۲؛ طوسی، ۲۰۵؛ طبری، ۴۲۸؛ ابن طاووس، مهج الدعوات، ۲۷۴؛ ابن صباغ، ۱۰۸۲/۲) یا «آگاهی از آینده» که مقدمات باور به امامت آن حضرت را فراهم می‌کرد، (مسعودی، ۲۴۷؛ ابن شعبه، همان، ۴۸۳؛ کشی، ۵۳۳-۵۳۴؛ خصیبی، همان، ۳۳۸؛ ابن طاووس، ۲۳۷؛ ابن راوندی، همان، ۴۴۱/۱-۴۴۰؛ ابن حمزه، ۵۶۸) در چشم انداز این مقاله جایی ندارند. در واقع نویسنده به دلیل برتری نگاه تاریخی محض یعنی غیر تجربی بودن، این موارد را نقل ننموده است. حتی آن‌گاه که با یک گزاره حاوی دیدگاهی کلامی برمی‌خورد، تنها آن‌چه را برای برداشت تاریخی مناسب است بر می‌گزیند. برای نمونه وی در یک جا نقل می‌کند: «حضرت خادمان متعدد رومی و صقلایی و ترک داشته است». در حالی که متن روایت این است که آن حضرت با این بردگان و کنیزان صقلبی (اسلاو)، ترک یا رومی به زبان خودشان سخن می‌گفت و این از نظر بردگان، کرامتی از جانب حضرت بود؛ چرا که حضرت در سامرا بالیده بود و بستری برای آموزش این زبان‌ها در اختیار نداشت (کلینی، همان، ۵۰۹/۱ و ۶۳۱/۲؛ مسعودی، همان، ۲۵۱). وی در جای دیگر نقل می‌کند: «هنگام وفات امام هادی علیه السلام برخی از عاملان که به خزانه حضرت دسترسی داشتند، اموالی از آن به غارت بردند که حضرت پس از دست گرفتن امور، انضباط را به خزانه بازگرداند و اموال رفته را پس گرفت». در حالی که بررسی این سند نشان می‌دهد، این گزاره، اشاره به کرامت آن حضرت است. زیرا حضرت پس از گردآوردن همه اهل خانه، به هر کدامشان می‌گوید که دقیقاً چه چیزی برداشته و آن‌ها ضمن تعجب از این قدرت امام، اموال را به خزانه بازمی‌گردانند (مسعودی، همان، ۲۴۷).

در کنار این موارد، رویکرد عمدتاً توصیفی و حتی تحلیل‌های تاریخی نیز، الگوپردازی مخاطب از مطالعه امام را به دست نمی‌دهد؛ چرا که مقاله به «سیره فردی» (مسعودی، ۱۰۷؛ خصیبی، همان، ۳۲۹؛ طوسی، همان، ۲۴۷-۲۴۶؛ طبری، ۵۰۵؛ ابن شهر آشوب،

همان: ۲۷/۱ و ۳۶۰/۴) «سیره خانوادگی» (کلینی، همان: ۶۳۱/۲ و ۱۱۷ و ۱۱۵؛ صفار، ۴۷۳/۱؛ مفید، همان، ۳۱۶/۲؛ ابن شهرآشوب، همان، ۴۲۹/۴ و ۴۲۸؛ اربلی، همان، ۴۱۲/۲؛ ابن بابویه، کمال الدین، ۴۶۳/۲) «سیره عبادی» (کلینی، همان، ۶۴۰/۲؛ مفید، الارشاد، ۳۳۴/۲؛ همو، المزار، ۵۳؛ طوسی، تهذیب، ۵۲/۶؛ همو، مصباح المتعجد، ۷۸۸/۲؛ ابن طاووس، الإقبال، ۱۰۰/۳؛ اربلی، همان: ۴۱۴/۲؛ ابن طاووس، فلاح السائل، ۲۰۹)، «سیره سیاسی» (مسعودی، ۲۴۳؛ ابن بابویه، معانی الأخبار، ۳۸۶؛ طبرسی، ۴۴۰/۲؛ اکبری، ۱۲-۱۴)، «سیره اقتصادی» (ابن بابویه، کمال الدین، ۴۵۷/۲؛ ابن حمزه، همان، ۵۸۵؛ طبرسی، همان، ۴۶۱/۲؛ کلینی، همان: ۶۷۰/۲؛ مفید، الارشاد، ۳۶۴/۲؛ کشی، رجال، ۵۸۰ و ۵۴۳؛ خصیبی، همان، ۳۴۲؛ طوسی، تهذیب، ۱۳۹/۴)، «سیره فرهنگی-علمی» (طبرسی، ۳۱/۱-۱۶؛ نباطی، ۵۵/۳؛ شهید ثانی، ۱۱۵؛ اربلی، همان، ۲: ۴۱۶) و «سیره بهداشتی» (کلینی، همان، ۶۳۲: ۲؛ ابنا بسطام، ۸۶؛ کشی، همان، ۲: ۸۱۵؛ ابن شهرآشوب، همان، ۴: ۴۳۵؛ خصیبی، همان، ۳۵۸؛ راوندی، همان، ۲: ۶۸۳؛ ابن حاتم، ۷۴۳) نمی‌پردازد.<sup>۱</sup> البته نویسنده ذیل واژه اخلاق هجده بار، بخشی از سیره اخلاقی را در اختیار نهاده است.

هم چنین جای خالی فهم روابط امام با سایر فرقه‌های شیعی، در این مدخل، حس می‌شود. «زیدیه» که در این دوره رفتارهای نوسان‌مندی با امامیه داشتند (عسکری علیه السلام، ۱۰؛ حسینی العاملی، ۴۲/۵) و کشمکش‌های نظری زیدیه و امامیه مانند سیاست مذهبی «تقیه» که از سوی امام حسن عسکری علیه السلام بسیار سفارش می‌شد (مسعودی، ۲۵۱؛ ابن بابویه، معانی الأخبار، ۳۸۶؛ طبرسی، ۴۶۰/۲)، یا نظریه رجعت در میان امامیه که به تأیید امام حسن عسکری علیه السلام رسید (نجاشی، ۳۰۷)، جا داشت که مورد توجه قرار بگیرند. هم چنین «فَطْحِيَّة» و نظر امام درباره آن‌ها نیز مورد توجه واقع نشده است. در حالی که در میان فطحیه، احمد بن حسن بن علی (د ۲۶۰ ق) و علی بن فضال (د ۲۹۰ ق)،

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۱،  
بهار ۱۳۹۹

۱۲۶

۱. در این باره، ذیل مدخل «امام حسن عسکری» علیه السلام در دانشنامه اهل بیت، به قلم ناقد، مقاله‌ای در حال نشر

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۱،

بهار ۱۳۹۹

۱۲۷

یک‌راست از آن حضرت روایت می‌کردند. این گروه در این دوره آن قدر فعال‌اند که فراوانی کتب این افراد در میان امامیه، پرسش‌هایی را به سوی امام سرازیر کرد که «اکنون که اینان به فطحیه گرایش یافته‌اند، با آثار این افراد چه کنیم؟» آن حضرت در پاسخ، امامیه را به عمل به آن چه این خاندان از آن حضرت روایت می‌کنند، تشویق فرمود و از شیعیان خواست به اجتهادهای شخصی و گفتمان اعتقادی آن‌ها بی‌اعتنا باشند (نجاشی، همان، ۳۴ و ۱۵۹؛ طوسی، الغیبه، ۳۸۹). علاوه بر آن، «واقفیه» و ارتباطشان با امام حسن عسکری علیه السلام نیز مورد توجه قرار نگرفته‌اند. حضور این جریان در عصر امام علیه السلام در نامه‌های امامیه در جبل و پرسش‌های آنان از چگونگی برخورد با واقفیان بازتاب یافته است. در یکی از این نامه‌ها، آن حضرت نسبت به هرگونه هم‌گرایی با آن‌ها هشدار داده و حتی دستور می‌دهند که اگر چه از خویشاوندان هم باشند، باز هم از آن‌ها براءت جسته و نه به عیادت بیمارانشان و نه در تشییع جنازه ایشان حاضر نشوند (راوندی، همان، ۱: ۴۵۳). حضور واقفیان تا زمان امام عسکری علیه السلام سبب شد، آن حضرت در میان درخواست‌های برخی از شیعیان به آن‌ها اجازه بدهد تا واقفیه را در قنوت نمازهایشان نفرین کنند (نجاشی، همان، ۴۶۵-۴۶۰).

پاکتچی درباره رویکرد امام نسبت به «غلات» معاصر امام حسن عسکری علیه السلام، تنها به این جمله اکتفا کرده است: «به نظر می‌رسد توجه به فضای عقل‌گرای کلامی در عصر امام علیه السلام و نیز ضرورت مقابله با جریان‌های غالی تأویل‌گرا، مقتضای عصر حضرت نیز بوده است.»؛ اما این کوتاه‌گویی ایشان، گویای مناسبات امامیه در آن دوره با غلات نیست؛ زیرا امام حسن عسکری علیه السلام با روش‌های مختلفی با غلات مبارزه می‌کرد و از آن جمله این که آن حضرت، یارانش را از پرسش از علم غیب پرهیز می‌داد؛ زیرا اتهامی بود که دستگاه عباسی امام را به آن متهم می‌کرد و غلات نیز با توجه به همین موضوع، به زیاده‌گویی در شان ائمه می‌پرداختند (خصیبی، همان: ۳۳۴). تأویل‌های شگفت‌برانگیز احکام شرعی، بخش دیگری از رفتارهای دینی غلات بود؛ مانند این که ادعا می‌کردند شراب، نماز و روزه هر یک مردانی هستند، نه این که معنای حکم شرعی داشته باشد.

آن‌ها هم چنین با واجب دانستن روزه ماه شعبان و تغییر ساعت‌های نماز، مایه دور شدن مردم از فرهنگ دینی اهل بیت گشتند (ولی پور، ۱۸-۲۱). در این زمان احمد بن محمد بن عیسی اشعری (زنده به سال ۲۷۴ ق)، «علی بن حسکه» و «قاسم یقطینی»، هردو اهل قم، از سردمداران اصلی «غلو» بودند که باورهای خود را به ائمه علیهم السلام منسوب می‌کردند (کشی، رجال با تحقیق مصطفوی، ۵۱۶). این دو، مانند خطابیان معتقد بودند نماز در واقع نام یک مرد است، نه این‌که سجده و رکوع باشد و زکات هم همین‌طور (همان: ۵۱۷). امام حسن عسکری علیه السلام ضمن رد این گونه باورها، یارانش را به دوری از ایشان فراخواند (همان) و یکتا پرستی، نماز، زکات، حج، روزه، ولایت، و آن‌چه پیامبر به آن دعوت کرده است را حقیقت دین شمرد (کشی، رجال با تحقیق رجایی، ۸۰۴/۲). حتی چون خطابیان غالی، دهم محرم را بسیار گرامی می‌داشتند و برای آن نماز و عبادتی ویژه قرار داده بودند (ابن قاسم طبرانی، ۱۹۴۳: ۹)، امام دستور داد سوم شعبان را به عنوان روز میلاد امام حسین علیه السلام روزه بگیرند (طوسی، الغیبة، ۸۲۶/۲؛ طبرسی، ۴۲۰/۱).

علاوه بر این استاد پاکتچی، به نقش امام حسن عسکری علیه السلام در تحول آیین‌های مذهبی هم اشاره نکرده است. آن حضرت، شیعیانش را سفارش می‌کرد در سفر به مدینه به زیارت مزار امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام هم بروند (طوسی، التهنید، ۷۸/۶). در این دوره تحولات میدانی آیین‌ها به پرسش‌های فقهی نیز کشیده شد. این سوال که آیا سجده بر قبر به هنگام نماز، یا نماز بر سر قبر ائمه صحیح است، با مخالفت امام همراه شد و ایشان تنها گذاشتن گونه راست را در هنگام زیارت بر قبر تأیید می‌کند و نماز خواندن جلوی قبور را نیز نادرست دانسته و صرفاً می‌پذیرند که در سمت راست یا چپ قبر ائمه، با این استدلال که نباید برائمه پیشی گرفت، نماز بخوانند (همان، ج: ۲، ۲۲۸).

هم چنین، نویسنده گرامی به «نظرات مستشرقین درباره امام حسن عسکری علیه السلام» رو ننموده است؛ حال آن‌که ژوزف الیاش (۱۹۳۲ - ۱۹۸۱م)، لئورا وِچا ولی پیری<sup>۱</sup>

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۱،  
بهار ۱۳۹۹

۱۲۸



(۱۸۹۳ - ۱۹۸۹) و «اچ. هالم»<sup>۱</sup>، در این باره مقالاتی نوشته و دیدگاه خاصی دارند.

### نقاط قوت و یافته‌های نومدخل حسن عسکری علیه السلام

۱. اشاره به گروهی به نام «اهل فترت» در میان امامیه که به هنگام وفات امام حسن عسکری علیه السلام وجود داشتند؛ گروهی از آنان این انقطاع را همیشگی می‌شمردند و گروهی به ظهور یک قائم، پس از مدتی انقطاع باور داشتند.
۲. دسته‌بندی جدید روایت‌های اعتقادی امام حسن عسکری علیه السلام در قالب: ۱. روایات پرهیز از پرداختن به مسائلی که مسأله امامیه نیست؛ ۲. روایات پرهیز از درگیر شدن در گفتمان نظام‌های کلامی و دور شدن از نصوص؛ ۳. روایات کوشش برای رسیدن به یک حد اعتدال، میان مواضع اهل کلام و اهل حدیث؛ ۴. روایات دعوت به فهم عرفی از زبان نصوص که از ویژگی‌های احادیث آموزه‌های اعتقادی از امام عسکری علیه السلام است.
۳. توجه به رویکرد علل الشرایعی در پاسخ‌های فقهی امام و این دست آمد که رویکرد عللی، تقابلی نهان با قیاس است که بر علل قابل درک در مقام تشریح استوار است و از همین رو، می‌تواند دارای ارزشی اصولی باشد.
۴. آمیختن سیره و سخنان امام را با استندهای قرآنی، مانند این نمونه: در نامه‌ای از حضرت خطاب به علی بن بابویه، ایشان وی را به صبر و انتظار فراخوانده، و برترین اعمال امت را انتظار فرج شمرده است؛ هم‌چنین از ابن بابویه می‌خواهد تمام شیعیان را به صبر فراخواند و به آنان این وعده الهی را یادآور شود که خداوند زمین را برای بندگان که بخواهد، به ارث خواهد نهاد (ابن شهر آشوب، ۳/ ۵۲۷). وعده اخیرا اشاره‌ای به مضمون قرآنی (قصص / ۲۸ / ۵) و به یاد آوردن ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۱،

بهار ۱۳۹۹

۱۲۹

۵. تصویری قابل الگوبرداری از امام در بخش اخلاق و زهد در آموزه های امام، که با دقت فراوان و در عین ذهنیت تاریخی، و با چاشنی آشنایی با دسته بندی روایت های اخلاقی، وی این بخش را فراهم آورده است.

### نتیجه گیری

مقاله امام حسن عسکری علیه السلام به قلم دکتر پاکتچی از سری مقالاتی است که با رویکرد تاریخ نگری و روش تاریخ نگاری تجربه محور نگاشته شده است، تا مخاطبان را با زمانه و بخشی از سیره آن حضرت آشنا نماید. نقد این مقاله با روش بررسی ساختار نگارش و ذهنیت نویسنده، شیوه تحقیق و در قالب نقدهای ساختارگرایانه، روندی و فرایندی، به این فرضیه پاسخ می دهد که نویسنده، سیمایی تاریخی با حذف گزاره های اعتقادی امامیه، از آن حضرت ارائه می کند. هم چنین به دلیل کمبود مقاله و کتاب درباره این عصر، جای خالی بیان دقیق روند حوادث، دیده می شود و در بخش نقد فرایندی نیز مفاهیم تاریخی این دوره مانند، سیره عصری، شأن بنی هاشمی امام و رویکردهای مختلفی مانند مناسبات امام با سایر فرق از نظر گذرانده نشده است. با این حال نقاط قوت خاصی هم در مقاله دیده می شود.

در پایان پیشنهاد می شود، به دلیل فضای مذهبی جامعه امامیه معاصر و هم زمان نگاه برون دینی مخاطبان خارجی به مطالعات امامیه، مقاله های دانش نامه ای درباره اهل بیت، در دو قالب سبک تهرانی: تاریخ نگاری تجربه مدار و کلام گریز و سبک قمی: تاریخ نگاری تجربه مدار کلامی، نگاشته شوند.

### کتاب نامه

- ابن ابی الثلج، تاریخ اهل البیت، قم: آل البیت، چاپ اول، ۱۴۱۰.
- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت: دارالصادر، ۱۳۸۵ (۱۹۶۵ م).
- ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ ش.

### پژوهش نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۱،  
بهار ۱۳۹۹

۱۳۰

- \_\_\_\_\_ عيون الاخبار الرضا عليه السلام، [بى جا]، دارالعالم (جهان)، ۱۳۷۸ ش.
- \_\_\_\_\_ معانى الأخبار، تحقيق غفارى، على اكبر، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ اول، ۱۴۰۳.
- ابن حاتم شامى، جمال الدين يوسف، الدر النظيم فى مناقب الأئمة اللهايم، قم: جامعه مدرسين، چاپ اول، ۱۴۲۰.
- ابن حمزه طوسى، محمد بن على، الثاقب فى المناقب، تحقيق علوان، نبيل رضا، قم: انصاريان، چاپ سوم، ۱۴۱۹.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، تاريخ ابن خلدون، تحقيق خليل شحادة، بيروت: دار الفكر، ط الثانية، ۱۹۸۸ م.
- ابن شعبه حرانى، حسن بن على، تحف العقول، تحقيق غفارى، على اكبر، قم: جامعه مدرسين، چاپ دوم، ۱۴۰۴.
- ابن شهر آشوب، محمد بن على، مناقب آل أبى طالب، قم: علامه، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
- ابن صباغ مالكى، الفصول المهمة فى معرفة الأئمة عليهم السلام، قم: دار الحديث، چاپ اول، ۱۴۲۲.
- ابن صوفى نسابه، المجدى فى أنساب الطالبين، قم: مكتبة آية الله المرعشى النجفى، چاپ دوم، ۱۴۲۲.
- ابن طاووس، على بن موسى، الإقبال بالأعمال الحسنة، تحقيق قيومى اصفهانى، جواد، قم: دفتر تبليغات اسلامى، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
- \_\_\_\_\_ فرج المهموم فى تاريخ علماء النجوم، قم: دار الذخائر، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.
- \_\_\_\_\_ فلاح السائل ونجاح المسائل، قم: بوستان كتاب، چاپ اول، ۱۴۰۶.
- \_\_\_\_\_ مهج الدعوات ومنهج العبادات، تحقيق كرمانى، ابوطالب و محرر، محمد حسن، قم: دار الذخائر، چاپ اول، ۱۴۱۱.
- ابن عمرانى، محمد بن على، الإنباء فى تاريخ الخلفاء، تحقيق قاسم السامرائى، القاهرة، دار الآفاق العربية، ط الأولى، ۱۴۲۱.
- ابن قاسم الطبرانى، ابى سعيد ميمون، مجموع الاعياد، تصحيح ر. شتروطمان، المجلد

## پژوهش نامه تاريخ تشيع

سال چهارم، شماره ۱،

بهار ۱۳۹۹

۱۳۱

- ۲۷ من مجلة الاسلام، همبورغ، ۱۹۴۳ م.
- ابنا بسطام، عبد الله و حسين، طب الأئمة عليهم السلام، تحقيق خرسان، محمد مهدي، قم: دار الشريف الرضي، چاپ دوم، ۱۴۱۱.
- احمدوند، زينب، دهقان نژاد، مرتضى، كجباف، على اكبر، عطائي، عبدالله، «بررسی و تحليل ولفه های تاريخ نگاری چپ (کمونستی) ایرانی در اولین دهه پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ش»، فصل نامه گنجینه اسناد، دوره ۲۷ شماره ۲، تابستان، صفحات ۲۲-۴۹، ۱۳۹۶ ش.
- اديب، عادل، الأئمة الاثنی عشر دراسة تحليلية، بيروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، چاپ سوم، ۱۴۰۵.
- اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمة، تبریز، مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ش.
- اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، تحقيق سيد احمد صقر، بيروت، دارالمعرفة، بی تا.
- اکبری، علی، «راهبردهای امنیتی امام حسن عسکری علیه السلام»، فصل نامه پژوهش های حفاظتی - امنیتی دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، سال اول، شماره ۴، زمستان، صفحات ۱-۲۳، ۱۳۹۱ ش.
- الویری، محسن، مطالعات اسلامی در غرب، تهران: سمت، ۱۳۸۱ ش.
- \_\_\_\_\_ «بررسی انتقادی دیدگاه علامه طباطبایی درباره زن در گذر تاریخ»، فصل نامه مطالعات جنسیت و خانواده، سال هفتم، شماره اول، بهار و تابستان، صفحات ۳۳-۵۱، ۱۳۹۸ ش.
- ایگرس، گئورگ جی، تاریخ نگاری در سده بیستم از عینیت علمی تا چالش پسامدرن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، سمت، ۱۳۸۹ ش.
- برقی، احمد بن محمد، المحاسن، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
- جاحظ، ابوعثمان، البيان والتبيين، تحقيق على ابو ملحم، الهلال، چاپ اول، ۲۰۰۲ م.
- \_\_\_\_\_ الرسائل الأدبية، تحقيق على أبو ملحم، بيروت: دار و مكتبة الهلال، چاپ دوم، ۲۰۰۲ م.
- \_\_\_\_\_ الحيوان، تحقيق محمد باسل عيون السود، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ دوم، ۲۰۰۳ م.

- \_\_\_\_\_ الرسائل السياسية، چ دوم، بيروت، دار و مكتبه هلال، ۱۴۲۳.
- حسینی، سید حسین، «تحلیل الگوی مفهوم نقد علمی»، دو فصل نامه پژوهش‌های عقلی نوین، سال دوم، شماره چهارم، پاییز و زمستان، صفحات ۹۷-۱۱۷، ۱۳۹۶ ش.
- حسینی العاملی، سید تاج‌الدین، التتمة فی تواریخ الأئمة عليهم السلام، تهران: بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۲.
- خصیبه، حسین بن حمدان، الهدایة الكبرى، بیروت، موسسه البلاغ، ۱۴۱۱.
- خضر، عبدالعلیم عبدالرحمن، مسلمانان و نگارش تاریخ: پژوهشی در تاریخ‌نگاری اسلامی، ترجمه صادق عبادی، تهران: سمت، ۱۳۸۹ ش.
- ذهبی، شمس‌الدین، تاریخ الإسلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، چ دوم، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۹۹۳ م (۱۴۰۳).
- رایبسون، جیس اف، تاریخ‌نگاری اسلامی، ترجمه محسن الویری، تهران: سمت، ۱۳۹۲ ش.
- راوندی، قطب‌الدین، الخرائج و الجرائح، قم: مؤسسه امام مهدی (عج)، چاپ اول، ۱۴۰۹.
- رضوی، سید ابوالفضل، فلسفه انتقادی تاریخ، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱ ش.
- ششتمدی، علی، «نقد ساختاری طرح روایی در داستان»، فصل نامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۲۶، پاییز، صفحات ۱۴۹-۱۲۹، ۱۳۹۱ ش.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، منیة المرید، تحقیق رضا مختاری، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۹.
- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، تحقیق کوچه باغی، محسن بن عباسعلی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ دوم، ۱۴۱۴.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الطبری، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ط الثانية، ۱۳۸۷ (۱۹۶۷ م).
- طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الامامة، تحقیق قسم الدراسات الإسلامیة مؤسسه البعثة، قم: بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۳.

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۱،

بهار ۱۳۹۹

۱۳۳

- طبرسی، فضل بن حسن، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، تحقیق مؤسسة آل البيت، قم: موسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۷.
- طوسی، محمد بن حسن، *تهذیب الاحکام*، تحقیق: خراسان، حسن الموسوی، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷.
- \_\_\_\_\_ *الغیبة*، تحقیق تهرانی، عباد الله و ناصح، علی احمد، قم: دار المعارف الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۱.
- \_\_\_\_\_ *کمال الدین و تمام النعمة*، قم، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۹۵.
- \_\_\_\_\_ *مصباح المتعبد و سلاح المتعبد*، بیروت: مؤسسة فقه الشیعة، چاپ اول، ۱۴۱۱.
- \_\_\_\_\_ *معانی الأخبار*، تحقیق غفاری، علی اکبر، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۳.
- فلاح زاده، احمد، «درآمدی بر سنت سازی امویان؛ مطالعه روندی-فرایندی روزه عاشورا بر مبنای نظریه پخش»، *فصل نامه تاریخ اسلام*، سال شانزدهم، شماره سوم، پاییز، شماره ۶۳، ۱۳۹۴ ش.
- \_\_\_\_\_ «مهتدی عباسی از اصلاحات سیاسی تا مبارزه با امامیه»، *دو فصل نامه سیره پژوهی اهل بیت*، سال پنجم، شماره هشتم، بهار و تابستان، صفحات ۷۵-۹۴، ۱۳۹۸ ش.
- قمی، حسن بن محمد، *تاریخ قم*، ترجمه حسن بن علی بن حسن عبدالملک قمی، تحقیق سید جلال الدین تهرانی، تهران، توس، ۱۳۶۱ ش.
- عسکری علیه السلام، حسن، *التفسیر منسوب به امام حسن عسکری*، قم: مدرسه امام مهدی، ۱۴۰۹.
- کشی، محمد بن عمر، *رجال الکشی* (مع تعلیقات میرداماد الأستراآبادی)، تحقیق مهدی رجایی، قم: مؤسسة آل البيت، چاپ اول، ۱۳۶۳ ش.
- \_\_\_\_\_ *رجال الکشی*، تحقیق محمد بن حسن طوسی و حسن مصطفوی، مشهد: مؤسسة نشر دانشگاه مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۹.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تحقیق دار الحدیث، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۹.

- گلی، حسین، رضائی هفتاد، غلامعباس، «نقد ساختارگرایی در گذر نظریه و تطبیق»، پژوهش‌نامه نقد ادبی، دوره ۱، شماره ۲، پاییز و زمستان، صفحات ۱۲۶-۱۰۷، ۱۳۹۱ ش.

- مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیة، قم: انصاریان، ۱۳۸۴ ش (۱۴۲۶).  
- مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تحقیق مؤسسه آل البيت، قم: کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳.

- \_\_\_\_\_، کتاب المزار، تحقیق ابطحی، محمد باقر، قم: کنگره، چاپ اول، ۱۴۱۳.  
- نباطی بیاطی، علی بن یونس، الصراط المستقیم ای مستحقى التقدیم، نجف، المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۴ ش.

- نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۵ ش.  
- ولی پور، سوسن، «واکاوی جریان غلو و جعل حدیث در فرقه خطابیة و رفتارائمه با پیغمبر با آنان»، پژوهش‌نامه مذاهب اسلامی، سال سوم، شماره ششم، صفحات ۹-۲۹، ۱۳۹۵ ش.

- Chen. Xin, Experimental history: the appeal of postmodernism in historiography, frontiers of history in china, 1, p 199-213, (2006).

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۱،

بهار ۱۳۹۹

۱۳۵